

یادداشت

چندسال است پدیده نداریم



■ حاکمیت نتیجه و کسب پیروزی به هر قیمتی نه تنها باعث شده تا از فوتبال روز دنیا عقب بمانیم، بلکه این مساله باعث از بین رفتن پدیده‌سازی در لیگ شده است. حاکمیت باید ببینیم در لیگ ما چه چیزی جایگاه و حاکمیت دارد. مسلمان لیگ ما نتیجه‌گراست و نتیجه از ارزش فراوانی برخوردار است. بنابراین همه چیز حول نتیجه می‌چرخد و هیچ‌کس به سازندگی بازیکنان، پیشرفت فوتبال و تغییر نسل توجهی نمی‌کند. متأسفانه هر دوره از لیگ که می‌گذرد ترفندهای کوتاهمدت برای رسیدن به نتیجه خودش را بیشتر نشان می‌دهد. اگر توجه کنید سه تیم اول جدول ۶۰ درصد گل‌های خود را روی ضربات ایستگاهی یا پرتاب اوت به ثمر رسانده‌اند. البته این چیز محکومی نیست و کسی نمی‌تواند از آن ایراد بگیرد، اما نشان‌دهنده پیشرفت فوتبال هم نیست. وقتی نتیجه به دست می‌آید دیگر کسی کار ندارد که چطور چنین چیزی ممکن شده است. پیامد این مساله این می‌شود که دیگر از پدیده‌ها خبری نمی‌شود و سال‌به‌سال از فوتبال روز دنیا عقب می‌مانیم. ضمن اینکه پرداختن به حاشیه‌ها نمود پیدا می‌کند، چراکه حاکمیت نتیجه، خودش یکی از فاکتورهای حاشیه می‌شود. دانش مربیان هم در این مشکل بی‌تاثیر نیست. آنها نیازی نمی‌بینند که به‌روز باشند، چون برای کسب نتیجه به کارها و برنامه‌های زودبازده متوسل می‌شوند. زمین‌های خاکی بستر فعالیت و رشد بازیکنان بودند. بسیاری از بازیکنان مطرح فوتبال ما از همین زمین‌های خاکی آمدند. هر چند شاید آموزشی در کار نبود، اما بستر فراهم بود و همه مکافات به پیدا کردن یک توپ مربوط می‌شد. در حالی که حالا هر ۱۵میلیون خاکی فقط یکی رونق دارد و البته برای استفاده از آن باید دردرس زیادی کشید. تقریباً ۱۵سال است که دیگر پدیده‌ای در فوتبال نداشته‌ایم یا روند آن بسیار کند شده است. در حالی که فوتبال ما غنی است و سرشار از استعداد و توان بالقوه.

اجبار فیفا، راه نجات



توجه نکردن به برنامه‌های میان و بلندمدت باعث شده امروز ستاره جوانی در فوتبال نداشته باشیم. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه، باشگاه‌ها خصوصاً لیگ‌برتر می‌ها هستند که به تربیت بازیکن توجهی ندارند. برخی از آنها برای نتیجه گرفتن و رسیدن به رده‌های بالاتر، تمام توجه خود را معطوف به نفرت اصلی کرده و نگاه خاصی به استعدادیابی و تیم‌های پایه ندارند. اجبار فیفا راهگاری بزرگ برای برون‌رفت از این مشکل است زیرا طبق قوانین جدید فدراسیون جهانی فوتبال، همه باشگاه‌های لیگ‌برتری باید تیم‌های پایه فعال و آکادمی فوتبال داشته باشند. این موضوع می‌تواند به بازیکن‌سازی در باشگاه‌ها کمک کند تا در آینده نزدیک، باشگاه‌ها به جای هزینه بسیار برای جذب بازیکن، از تولیدات خود استفاده کنند. در هر دهه ۱۰ بازیکن شاخص در فوتبال ظهور پیدا می‌کنند که وقتی به اوج می‌رسند، موفقیت‌های بزرگی را برای فوتبال ملی خود رقم می‌زنند. مانند سال ۹۸ که فوتبال ایران با بازیکنان مطرحش توانست در جام جهانی فرانسه بدرخشد و در بین ۲۰ تیم برتر جهان قرار بگیرد. در آن زمان اگر به جای استراتژی موفقیت در کوتاهمدت، اینده فوتبال هم با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در نظر گرفته می‌شد، می‌توانستیم در جام‌های جهانی بعدی موفق باشیم اما غفلت از جوانان باعث شد در جام‌جهانی ۲۰۰۶ عملکرد خوبی نداشته باشیم و به جام‌جهانی ۲۰۱۰ هم نرسیم. این خلأ ۱۰ساله که حاصل توجه نکردن به برنامه‌های میان و بلندمدت بود، باعث شد امروز پدیده‌های شاخصی در لیگ و جایگزینان مطرحی برای بازیکنان اصلی در تیم‌های نداشته باشیم. پس از ناکامی تیم‌های جوانان ایران در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا درسال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ به بازیکنان مستعد آن تیم‌ها توجه نشد تا تنها سه، چهار نفر از آنها بتوانند خود را به سطح اول فوتبال برسانند. این موضوع مهمی است و باید فدراسیون و باشگاه‌ها با برنامه‌ریزی جامع اجازه ندهند بازیکنان مستعد که برای پرورش آنها هزینه‌های بسیاری صورت گرفته، به راحتی از بین بروند. فوتبال زیبا و هجومی را می‌توان با تکیه بر بازیکنان جوان مشاهده کرد. قطعاً بازیکنانی که از تیم‌های یاد تجربه بازی‌های ملی دارند، با به دست آوردن فرصت در تیم‌های باشگاهی می‌توانند بیشتر رشد کرده و در آینده بازیکن موتوری برای تیم‌های باشگاهی و ملی باشند. تدوین و اجرایی کردن قوانین خاصی که باشگاه‌ها را ملزم به استفاده از بازیکنان جوان در ترکیب خود کند، می‌تواند راهی اساسی برای برون‌رفت از خلأ نداشتن پدیده‌ها در فوتبال باشد. این یک واقعیت است که هر زمان به جوانان فرصت داده شود، آنها می‌توانند خود را به رده‌های بالاتر رسانده و شکاف‌های موجود بین بازیکنان مطرح و نفرت جایگزین در تیم‌های ملی و باشگاهی را پر کنند که این مساله هم نیازمند توجه بیشتر باشگاه‌ها به بازیکن مستعد و جوان است.



پویان امیری

بهمن فروتن، مربی نام‌آشنای کشورمان سال‌های زیادی است که در فوتبال ایران و آلمان فعالیت دارد. فروتن این فصل به تیم مس رفسنجان پیوسته است و می‌خواهد، این تیم لیگ یکی را به یکی از مدعیان تبدیل کند. با این مربی در مورد پدیده‌سازی در فوتبال دنیا و فوتبال ایران صحبت کردیم. پدیده‌سازی چند سالی است در فوتبال ایران از بین رفته و طی فصل گذشته، فوتبال ایران حتی یک پدیده هم نداشته است. پدیده‌هایی که قرار است خون تازه در رگ‌های فوتبال ایران باشند، به دلایلی هرز می‌روند.

روند پدیده‌سازی در تیم‌های اروپایی چگونه است؟

در اروپا هم مثل ایران تیم‌ها به سه دسته پولدار، متوسط و فقیر از نظر مالی تقسیم می‌شوند. هر سه این رده روی تیم‌های پایه سرمایه‌گذاری می‌کنند. تیم‌های ثروتمند، بازیکنان تیم‌های پایه خود را به تیم‌های متوسط می‌فروشند تا بتوانند در ازای سه یا چهار بازیکن معمولی یک پدیده جذب کنند. تیم‌های متوسط هر سال در بهترین حالت دو بازیکن از تیم‌های پایه بگیرند اما تیم‌های فقیر روی تیم‌های پایه خود سرمایه‌گذاری زیادی می‌کنند تا بتوانند بازیکنان خوبی را به وجود بیاورند و با فروش آنها به تیم‌های بزرگ بتوانند درآمد کسب کنند و به حیات خود ادامه دهند.

چرا تیم‌های بزرگ خودشان پدیده‌سازی نمی‌کنند؟

بعضی وقت‌ها مثل منچستر اواخر دقیقه ۹۰ که بازیکنان خوبی مثل بکام، اسکولز، بابت و برادران نویل داشت و همه بازیکنان تیم‌های پایه خود بودند، این کار صورت می‌گیرد یا

همین تیم، برادران دولسوی برزیلی را در ترکیب خود دارد اما

در همه دنیا تیم‌های بزرگ کمتر این کار را صورت می‌دهند. در تیم بایرن‌مونخ که تیم‌های پایه در همه رده‌های سنی دارد، تنها مولر در سال‌های اخیر از تیم پایه به تیم بزرگ‌سالان اضافه شده است. البته یک دلیل دیگر هم دارد. تیم‌های

بزرگ به فدراسیون‌های کشورشان متعهد هستند که به دلیل

وجهه بین‌المللی و اعتبار لیگ آن کشور از بازیکنان سرشناس

استفاده کنند. حضور ستاره‌های بزرگ شور و حال خاصی به

فوتبال و لیگ این کشورها می‌دهد. پس نمی‌شود از استقلال و

پرسپولیس خرده گرفت که چرا روی تیم‌های پایه سرمایه‌گذاری

نمی‌کنند. برعکس این تیم‌ها می‌توانند با داشتن تیم‌های پایه

قوی، حداقل چهار بازیکن وضعیتیه به تیم‌های دیگر بدهند

و خون تازه‌ای به فوتبال وارد کنند. آنها از تولید یک بازیکن

متوسط هم عاجز هستند و تنها به حاضر خوری روی آوردند

که باعث شده فوتبال ایران درجا بزند. اگر این تیم‌ها بازیکنانی را

که خودشان می‌ساختند و به آنها احتیاج نداشتند، به تیم‌های

متوسط می‌فروستادند، آنها هم با میل بیشتری بازیکنان خوب و

پدیده خود را در اختیار تیم‌های بزرگ می‌گذاشتند.

استعدادیابی در اروپا چگونه است؟

استعدادها در همه جای دنیا وجود دارند. استعدادها مثل تخم ماهی می‌مانند که ماهی‌ها در دریا می‌ریزند اما تنها تعداد کمی از آنها به ماهی تبدیل می‌شوند. اگر همه تخم‌ها به ماهی تبدیل می‌شدند، آن وقت هیچ آبی نمی‌ماند. استعداد هم همین‌گونه است. تنها تعداد کمی از آنها که در شرایط مناسب قرار می‌گیرند، تبدیل به بازیکنان بزرگ می‌شوند. باشگاه‌ها بودجه خوبی در اختیار استعدادیاب‌ها قرار می‌دهند تا آنها بتوانند استعدادها را کشف کنند. این استعدادیاب‌ها هیچ‌گاه در کنار باشگاه نیستند و در همه جای کشور و حتی دنیا پخش هستند. در اروپا همه باشگاه‌هایی که تیم بزرگ‌سالان دارند، مجبور هستند تمام رده‌های تیم‌های پایه را داشته باشند. زمانی که تیم بایرن‌مونخ بودجه خود را روی ۲۵۰میلیون یورو می‌ست، فرایبورگ برای کل باشگاه‌ها خود ۲۰میلیون یورو سرمایه‌گذاری می‌کرد اما آکادمی آنها بسیار بالاتر و بهتر از آکادمی بایرن‌مونخ بود. چون فرایبورگ به این طرح استعدادیابی احتیاج داشت. آنها به خوبی می‌دانستند که در بازار آزاد نمی‌توانند بازیکن بخرد اما می‌توانند با کشف و استعداد خوب که هر کدام ۱۵میلیون یورو می‌ارزند، به اندازه بودجه یک فصل خود در بیاورند اما باشگاه‌های بزرگ تنها با توجه به وظیفه‌ای که فدراسیون‌ها بر عهده آنها گذاشتند آکادمی درست می‌کنند در حالی که احتیاجی به این کار ندارند.

ورزش

گفت‌وگو با بهمن فروتن، کارشناس فوتبال

پدیده‌سازی در ایران به پدیده‌سازی تبدیل شده



عکس: مهدي حسيني-شرق

تحت نظر فدراسیون باشند.

در فوتبال ایران روند پدیده‌سازی چگونه است؟

من موقعی که ۱۸ سالم بود، مربی تیم‌های ۱۲ تا ۱۴ساله بودم. من یک تیم محلی به نام توفان داشتم که از بازیکنان جوان تشکیل شده بود. من آنجاسعی می‌کردم، پدیده به فوتبال ایران معرفی کنم. در تهران نفرت زیادی بودند که روی جوانان کار می‌کردند. آقامد، برادران ابوطالب و اردشیر لارودی از این دسته مربیان بودند. در کل ایران هم از این عاشقان زیاد وجود داشت. در محله‌های مختلف این مربیان با جوانان کار و پدیده‌های زیادی را به فوتبال ایران معرفی می‌کردند اما از زمانی که فوتبال گران شده، یعنی دیگر یک پسرچپه نمی‌توانست یک شورت و لباس ورزشی و کفش از خیابان محلاتی بخرد و به فوتبال بپردازد دیگر از آن زمین‌های فوتبال و از آن عاشقان خبری نبود. یک کفش آدیداس ممکن بود، به اندازه حقوق یک ماه پدر خانواده باشد و این برای خانواده اصلا مناسب نبود.

در ایران روند پدیده‌سازی چطور پیش می‌رود؟

بیکار در یک مصاحبه تلویزیونی از من پرسیدند که چرا بازیکنانی مثل علی کریمی کنار نمی‌روند، من هم در جواب گفتم که ما وظیفه نداریم این بازیکنان را کنار بگذاریم، این کار برعهده بچه‌های چهارساله‌ای است که به فوتبال روی آورده‌اند. بازیکن ما تا ۲۳سالگی بازی می‌کند و تا وقتی که این ستاره‌ها می‌توانند ما از آنها استفاده می‌کنیم. در اروپا سن فوتبال

چهار سال است. از چهار سال تا ۱۸ سال بازیکنان به دسته‌های دوساله تقسیم می‌شوند. مثلاً در چهارسالگی بازیکنان جهت را یاد می‌گیرند و دروازه خودی و حریف را تشخیص می‌دهند. اما در ایران به یک بازیکن ۱۲ساله جهت‌یابی یاد می‌دهند. در اروپا با معدنی فوتبال از یک سرچشمه تمیز و پاک پر می‌شود، اما در ایران آب‌ها در جوی‌ها جاری و در یک چاله جمع می‌شوند و هر فردی در

آن شیرجه می‌زند و معلوم نیست که چه مرضی‌هایی بگیرد. در فوتبال ایران هیچ ارزش افزوده نداریم، حتی استعدادهای خوبی مثل محسن مسلمان در چهار سال گذشته را دست رفته است. مجتبی جباری پدیده بزرگی بود، اما او را به چه ساعتی از دست دادیم. آندو تیموریان و جواد نکونام هم شانس آوردند که به اروپا رفتند و گر نه آنها نیز نابود می‌شدند.

در فوتبال ایران بهانه این شده که چون لیگ نتیجه‌گراست، سراغ جوانان نمی‌روند! نظر شما چیست؟ در همه دنیا فوتبال نتیجه‌گراست، اما تفاوت در این است که در دنیا فوتبال مست اهل فن است، اما در فوتبال ایران این دلال‌ها هستند که برای فوتبال تعیین تکلیف می‌کنند. ما فصل گذشته تنها بهار عبدي را داشتیم که خیلی خوب بود، اما معلوم نیست که امسال هم همین اتفاق بیفتد یا خیر و او امسال چگونه

بازیکنی باشد. این ضعف فوتبال ایران است که بازیکنانش بعد از یک مدت کوتاه محو می‌شوند. حسین پایي چند سال است که در تیم سپاهان حضور دارد و واقعا بازیکن پراستعدادی است، اما او هم محو شده است. کریم انصاری‌فرد باید در یکی از تیم‌های خوب اروپایی بازی کند، اما خودش را در گیر فوتبال ایران کرده است.

شما آکادمی‌های فوتبال را از نزدیک دیده‌اید؟

بله، من در آلمان این آکادمی‌ها را دیده‌ام. آکادمی‌ها از سه دایره تشکیل شده است؛ خانواده، مدرسه و باشگاه. افرادی هستند در این آکادمی‌ها که مثل مادر و پدر در کنار بازیکنان هستند، ضمن اینکه روانشناسان هم در کنار این بچه‌ها هستند. دایره خانواده از دو دایره دیگر مهتر است. در دایره مدرسه هم بازیکنان در کنار فوتبال به تحصیل می‌پردازند. دایره باشگاه هم مربوط به کارهای فنی یک بازیکن می‌شود. در این میان نقش روانشناسان بسیار بااهمیت است. اگر این روانشناسان در کنار بازیکنان نباشند، ممکن است بچه‌هایی که از ۱۲سالگی فوتبال را شروع کردند، در ۱۶سالگی کنار بگذارند. سرمایه‌گذاری در آکادمی واقعا گران و بازده زمانی آن هم حداقل هفت‌سال است. در این مدت مخارج زیادی برعهده مدیران آکادمی است، اما آنها به خوبی این هزینه‌ها را می‌کنند چون می‌دانند که نتیجه خواهد داد.

آکادمی‌های سپاهان و فولاد خوزستان را چطور می‌بینید؟

من این آکادمی‌ها را از نزدیک ندیدم، اما وقتی آکادمی خروچی ندارد به هر چه می‌خورد. در سال‌ها گذشته کدام بازیکن از این تیم‌ها به سطح اول فوتبال ایران معرفی شده است. فولاد خوزستان چند سالی است که آکادمی دارد، اما بهترین بازیکنان این آکادمی، تنها در همان فولاد خوزستان می‌مانند. متأسفانه اسپانسر بازیکن بالای جان فوتبال ایران شده است.

شما چطور به پدیده اهمیت می‌دهید؟

من پدیده‌های زیادی به فوتبال ایران معرفی کرده‌ام. میثم حسینی، محسن بوسنی، ابوذر رحیمی و محمد مختاری از بازیکنانی هستند که در لیگ‌برتر بازی می‌کنند. الان در تیم مس رفسنجان ۱۳ بازیکن زیر ۲۳ساله حضور دارند. چند بازیکن ۱۷ساله هم داریم. ما تنها چند بازیکن ۲۷سال به بالا داریم.

در تیم‌های اروپایی که فقیر هستند، دولت از آن حمایت می‌کند؟

هیچ حمایت دولتی از تیم‌ها صورت نمی‌گیرد. آنها به خوبی راه خود را پیدا کرده‌اند و فقط به داشته‌های خود متکی هستند. پدیده‌سازی بهترین راه متکی بودن به خود است.

در سال‌های گذشته بازیکنانی بودند که فکر می‌کردید، در آینده ستاره شوند، اما این اتفاق برای آنها نیفتاد؟ به غیر از محسن مسلمان و مجتبی جباری، بازیکنانی مثل شهرام گودرزی هم می‌توانستند ستاره شوند. امیرحسین صادقی یک بازی در مقابل اشتوتگارت انجام داد که همه مربیان آلمانی می‌گفتند او بازیکن آینده‌داری خواهد بود، اما این اتفاق برای او نیفتاد. متأسفانه پدیده‌سازی در ایران تبدیل به پدیده‌سوزی شده است.

عبدی: فقط ادای حرفه‌ای شدن را در آورديم

بی‌لیاقت را به فوتبال تزریق کنند. در این شرایط فوتبالیست‌هایی هم که استعداد دارند و نمی‌خواهند وارد این بازی‌ها شوند به تدریج در سایه قرار می‌گیرند. تمام این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا فوتبال ما به جای حرکت رو به جلو، پسرفت کند.

مربی پیشین تیم پرس‌پولیس در پاسخ به این سوال که از چه زمانی خرجه پدیده‌سازی لیگ‌برتر کندتر شده است گفت: از وقتی که ما آمادگی حرفه‌ای شدن فوتبال را نداشتیم اما تظاهر کردیم که حرفه‌ای شده‌ایم و صرفاً ادای آن را در آورديم. ما ساختاری ایجاد نکردیم تا استعدادها را به فوتبال معرفی کنیم. موضوعی که سبب شد نگرش بازیکنان

به فوتبال هم عوض شود و پول جای عشق به ورزش را بگیرد. چنین نگرشی برای بازیکن‌سازی در فوتبال بسیار خطرناک است. ما باید به باشگاه‌هایمان ماهیگیری یاد بدهیم. تا زمانی که حمایت دولتی پشت باشگاه‌ها وجود داشته باشد چنین چیزی ممکن نیست.



را بسون هدف جلو برد. نگاه و برنامه‌های مدیران و مربیان در فوتبال ایران مقطعی است. هیچ باشگاهی نیست که فلسفه بازیکن‌سازی را دنبال کند. این فلسفه علاوه بر وقت زیاد، به دانش فنی و حمایت کامل نیاز دارد. این مساله موجب می‌شود دلال‌ها بازیکنان

یادداشت

پدیده‌سازی، قربانی نتیجه‌گرایی



■ طی دوسال اخیر دیگر پیدا کردن بازیکنان پدیده در رقابت‌های لیگ‌برتر نایاب شده است و اصلی‌ترین دلیل آن به نتیجه‌گرایی باشگاه‌ها برمی‌گردد. نتیجه‌گرایی باشگاه‌ها باعث شده تا شرایط برای مربیان سخت شود و به بازیکنان جوان کمتر اعتماد کنند. در واقع فشرده‌گی مسابقات موجب شده تا مربیان نتوانند ریسک کنند و به ترکیب تیم خود دست بزنند. یکی از راه‌های کاهش این فرصت‌سوزی کاهش تعداد تیم‌های حاضر در رقابت‌های لیگ‌برتر است چون این موضوع باعث می‌شود فشرده‌گی بازی‌های لیگ کمتر شده و فرصت بیشتری برای استفاده از بازیکنان جوان ایجاد شود. یکی دیگر از دلایل پدیده‌سوزی در فوتبال ایران بی‌توجهی فدراسیون فوتبال به لیگ‌های تیم‌های پایه است. به طوری که ما در اکثر بازی‌های این لیگ‌ها شاهد برقراری شرایط استاندارد در برگزاری آنها نیستیم؛ باشگاه‌ها باید ۱۵ درصد از بودجه خود را به تیم‌های پایه اختصاص دهند اما در مجموع می‌بینیم که آنها حداکثر دو تا پنج‌درصد از بودجه خود را به تیم‌های پایه اختصاص می‌دهند. در واقع اکثر باشگاه‌ها نگاه ویژه‌ای به تیم‌های زیرمجموعه و پایه خود ندارند.

درد فوتبال، بی‌توجهی به «پایه‌ها



■ من با این موضوع موافقم. حداقل در یکی، دوسال اخیر در تمام مصاحبه‌هایم به این مساله اشاره کردم که شما وقتی تیم‌لی قدرتمندی دارید که یک لیگ قدرتمند را بازیکنان پدیده داشته باشید، وقتی ما به لیگ برمی‌گردیم، هنوز روی علی کریمی و فرهاد مجیدی انگشت می‌گذاریم. در چندسال اخیر آن طور که باید و شاید پدیده‌ای ندیدیم که بتواند ما را امیادوار کند. شما نگاه کنید وقتی لیگ تمام می‌شود مربیان یک فهرست دست می‌گیرند و باشگاه‌ها دنبال بازیکنان معدوم می‌روند. در واقع فوتبالیست‌هاست ما می‌چرخند و از محصولات آکادمی کمترین استفاده می‌شود. بزرگ‌ترین درد فوتبال ما این است که به رغم خانواده از دو دایره دیگر مهتر است. در دایره مدرسه هم بازیکنان در کنار فوتبال به تحصیل می‌پردازند. دایره باشگاه هم مربوط به کارهای فنی یک بازیکن می‌شود. در این میان نقش روانشناسان بسیار بااهمیت است. اگر این روانشناسان در کنار بازیکنان نباشند، ممکن است بچه‌هایی که از ۱۲سالگی فوتبال را شروع کردند، در ۱۶سالگی کنار بگذارند. سرمایه‌گذاری در آکادمی واقعا گران و بازده زمانی آن هم حداقل هفت‌سال است. در این مدت مخارج زیادی برعهده مدیران آکادمی است، اما آنها به خوبی این هزینه‌ها را می‌کنند چون می‌دانند که نتیجه خواهد داد.

آکادمی‌های سپاهان و فولاد خوزستان را چطور می‌بینید؟

من این آکادمی‌ها را از نزدیک ندیدم، اما وقتی آکادمی خروچی ندارد به هر چه می‌خورد. در سال‌ها گذشته کدام بازیکن از این تیم‌ها به سطح اول فوتبال ایران معرفی شده است. فولاد خوزستان چند سالی است که آکادمی دارد، اما بهترین بازیکنان این آکادمی، تنها در همان فولاد خوزستان می‌مانند. متأسفانه اسپانسر بازیکن بالای جان فوتبال ایران شده است.

خانه‌نشینی مربیان با دانش



■ این مساله نشان می‌دهد آن طور که باید و شاید برای تیم‌های پایه همانند تیم‌های اصلی سرمایه‌گذاری نمی‌شود. مشکلی که خودش را طی ۱۰سال نشان داده و حالا به اوج خود رسیده است. درسال‌های گذشته در تیم‌های پایه مربیان با تجربه و با دانشی کار می‌کردند اما به دلیل عدم توجه به آنها، به تدریج خانه‌نشین شدند. ضمن اینکه بازیکنان و مربیان لیگ‌برتری قراردادهای میلیونی می‌بینند اما مشکلات مالی در مربیان پایه پدید می‌کند. مربیان هم به خاطر کسب نتیجه تحت فشار هستند و به همین دلیل نمی‌توانند به بازیکنان جوان بها بدهند. وقتی یک مربی بازیکن جوانی را به میدان می‌فرستد باید حداقل چند مسابقه از اشتباهات او چشم‌پوشش تا این بازیکن با شرایط آشنا شود. وجود پول هتگفت در فوتبال باعث شده تا همه دنبال نتیجه‌گرایی باشند. این نوع تیمکاری به فوتبال ما آسیب می‌زند. باید به تیم‌های پایه بیشتر توجه شود. این تیم‌ها باید از نظر مالی شرایط خوبی داشته باشند تا معضلات اصلی فوتبال برطرف شود.

مربیان ریسک نمی‌کنند

مجید نامجو‌مطلق
کارشناس فوتبال

■ اولین دلیل چنین مشکلی این است که به تیم‌های پایه توجه نمی‌کنیم. همه دنبال این هستند که یک تیم قدرتمند ببینند و فقط نتیجه بگیرند. همین نتیجه‌گیری تاثیرش را روی مربیان و مدیران عامل گذاشته و آنها را وادار کرده است که برای استفاده از بازیکنان جوان ریسک نکنند. تا ۱۵ سال پیش به این صورت نبود. آن موقع روی تیم‌های پایه کار می‌شد و نتیجه‌گیری هم در اولویت نبود. مربیانی هم که با تیم‌های پایه کار می‌کردند از نظر فنی در سطح قابل قبولی بودند. الان در مدارس فوتبال با تیم‌های پایه فقط پول حرف اول می‌زند. به همین دلیل کسانی که استحقاق رسیدن به سه درج‌ات بالای فوتبال را دارند نمی‌توانند خود را به این رشته تحمیل کنند. آنها به تدریج در سایه قرار می‌گیرند و خانه‌نشین می‌شوند. به نظرم از پنج‌سال پیش این روند شدت گرفته است و شرایطی به وجود آمده که ما دیگر کمتر شاهد بازیکنان پدیده هستیم. الان در فوتبال ما به جای پدیده‌سوزی بازیکن‌سالاری حرف اول را می‌زند و همه دنبال پول هستند.